اول شخص

مرد میدان‌های سخت

برای شهید سردار حسین سلامی؛ شهید راه مقاومت که به دست رژیم صهیونی به شهادت رسید

روح مقاومت

مریم شیعه| سال ۱۳۳۹ است. خورشید بر پشت بام‌های کاهگلی روستای وانشان پهن شده است. وانشان از توابع گلپایگان و در قلب اصفهان است. به‌کوچه‌باغ‌ها و تابستان‌های خنکش شهرت دارد. او در خانواده‌ای مذهبی و ساده‌زیست به دنیا می‌آید. کودکی آرامی دارد. با قصه‌های پدربزرگ و نوای اذان مسجد بزرگ می‌شود. توی مدرسه تاریخ را بیش از هرچیز دیگری دوست دارد. ذهنش را با تاریخ ایران، داستان‌های حماسی، داستان‌های زندگی پیامبران و اسطوره‌های دینی پر می‌کند. قدکشیدن از دل این روستا و بیرون زدن از آن، کار ساده‌ای نیست. به‌مرور خودش را از میان دشواری‌ها و محدودیت‌هایی‌که دارد بالا می‌کشد. او با روحیه خستگی‌ناپذیر و جنگنده‌ای‌که دارد، مسیر آینده را برای خودش ترسیم می‌کند. زندگی روستایی برای او یک کلاس درس است. جایی است‌که مردم، دردها و امیدهایشان را بهتر و بیشتر بشناسند. سال‌های جوانی‌اش، سال‌های پرتلاطم ایران معاصر است. از همان روزی‌که اولین نشانه‌های انقلاب جوانه می‌زند، او با تمام وجود دل به آن می‌سپارد. با شروع جنگ تحمیلی، اوکه دانشجوی رشته مهندسی مکانیک در دانشگاه علم و صنعت ایران است تحصیل را نیمه‌کاره رها می‌کند و داوطلبانه به جبهه می‌رود تا وفاداری‌اش را به خود و به آرمانی‌که در دلش ریشه دوانده است ثابت‌کند.

ازکوچه‌های‌کاهگلی تا مقر فرماندهی

در خطوط مقدم، از همان آغاز، حضورش با نظمی‌مثال‌زدنی‌است. اودرمیان خاک‌ریزها و عملیات، رفته‌رفته به فرماندهی می‌رسد. رزمندگان، فرمانده‌شان را با چهره‌ای آرام اما بی‌تزلزل می‌شناسند. اهل تصمیم‌گیری‌های دشوار در زمان‌هایی است که بقیه دچار تردید می‌شوند. قطعیت او در کلام و عملش تجلی پیدا می‌کند. از جنوب ایران تا ارتفاعات غربی، نقش او در طراحی عملیات و فرماندهی یگان‌ها پررنگ می‌شود. پس از پایان جنگ، به میدان علم بازمی‌گردد. کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت دفاعی از دانشگاه عالی دفاع ملی دریافت می‌کند، اما کار او فقط در اتاق درس نیست. سال‌ها به عنوان فرمانده دافوس سپاه (دانشگاه فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران) فعالیت می‌کند، جایی که نسل‌های بعدی فرماندهان از نگاه استراتژیک و روش تحلیل او بهره‌مند می‌شوند. در دهه ۸۰، پله‌های فرماندهی را پشت سرمی‌گذارد. از معاونت عملیات گرفته تا جانشینی فرمانده کل سپاه و سرانجام، در اردیبهشت ۱۳۹۸ با حکم فرمانده معظم کل قوا، به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می‌شود؛ مسئولیتی سنگین در دوره‌ای پرمخاطره. در سال‌های سخت منطقه، در سخنرانی‌هایش نشانه‌هایی از آگاهی به پیچیدگی جهان امروز دیده می‌شود. او صرفا یک فرمانده نیست، بلکه صدای نوعی تفکر برخاسته از مسائل امنیتی و مقاومتی است که در تمام سال‌های زندگی پرورش یافته است.

ایستادگی تا پایان

در بحبوحه جنگ‌های خاورمیانه، محکم و استوار بود. هم‌زمان با تهدیدهای مکرر رژیم غاصب صهیونیستی و تحولات نگران‌کننده در محور مقاومت، او سفری تازه را آغاز کرد. می‌دانست که حضور در چنین جایگاهی تا چه اندازه، بار مسئولیتش را بیشتر و او را به یکی از اهداف ترور تبدیل می‌کند. «سردار شهید حسین سلامی» در سحرگاه بیست‌وسوم خردادماه به همراه جمعی از هم‌رزمانش به شهادت رسید. وقتی دشمن به حریم کشورمان تجاوز می‌کند، هدفش تنها حذف یک فرد یا تصرف یک منطقه نیست. دشمن کرامت جمعی، امنیت کودکان و هویت همه‌مان را نشانه می‌رود. اقدام وحشیانه اسرائیل، تعرض مستقیم به اراده عمومی و موجودیت ایرانیان است. نتانیاهو بار دیگر پیام خود را واضح و آشکار منتقل کرد؛ مرزها، قوانین و حقوق بشر برایش بی‌معناست. در چنین شرایطی، سکوت و تفرقه، نه بی‌طرفی بلکه همراهیَ خاموش با متجاوز است. اتحاد مردم نه صرفا برای انتقام، بلکه برای حفظ غرور ملی، صیانت از امنیت آینده و فرزندان این خاک و مقابله با تکرار تعدی است. وحدت، تبدیل خشم پراکنده به نیرویی سازمان‌یافته و بازدارنده است؛ نیرویی که دشمن را از تکرار جنایت بازمی‌دارد. ملت‌هایی که در لحظه تهدید، کنار هم ایستاده‌اند، توانسته‌اند از دل فاجعه، قدرتی تازه بسازند و آن‌هایی که دچار تردید، شکاف یا سکوت شدند، مسیر را برای تکرار زخم هموار کردند. سردار سلامی، مرد تصمیم‌های سخت در لحظه‌های تردید بود و روحیه جنگنده‌ای داشت که خستگی نمی‌شناخت. فرقی ندارد این جنگ روزها به درازا بکشد یا ماه‌ها و سال‌ها، راه مقاومت، راه آشنایی برای ایرانیان است.

کوچه

زنبورها زیاد از لانه خود دور نمی‌شوند!

غلامرضا نبی اسدی
روزنامه‌نگار

سوای برخی که فارسی حرف می‌زنند، اما کارکرد زبان و قلم و رفتارشان، ضد دیار پارس و ایران بزرگ است، همه ایرانی هستیم به هر دین و آیین که باشیم، در سرزمین ما، سکوت در برابر ظلم، هیچ‌گاه فضیلت نبوده که فضیلت سوز و کرامت ستیز است. مسلمانیم و حکم شرع هم بر ایستادن تمام قد در برابر قوم ظلمه است. ایران، از کهن‌ترین دوران، زیستگاهی برای مردان غیرت و زنان حماسه بوده است. در هر زمان هم این خوی انسانی در آنان افزایش یافته است. دشمن اگر پایش به این خاک برسد، ترَک در همه پایش خواهد دید. هرچند هیچ‌گاه جنگ را انتخاب نکرده‌ایم. اگر بر ما تحمیل شد، به دفاع چنان همت کردیم که انتخاب‌کنندگانِ جنگ، زیرپوش‌های سفید خود را بر چوب کردند. دفاع مقدس هشت ساله ما آخرین گونه از این نوع حماسه بود که در ساحت‌های دیگر تکرار می‌شود. امروز هم باز جنگ را ما نه به انتخاب که به تحمیل صهیونیست دیوانه باید به پیش بریم. قطعا هم چنان خواهیم کرد که دنیا بداند ما اگرچه جنگ طلب نیستیم اما بسیار جنک بلد هستیم. وعده صادق ۳ این را به قومِ جنگ زیست صهیونیست هم ثابت کرد که عزرائیل با پرونده‌های زیادی زیر بغل، در کوچه‌های تل‌آویو و حیفا و..... می‌گردد. اگر زدند، به فردا واگذار نشد، نقدانقد هم تسویه کردیم. ملت حوصله نسیه حساب کردن را ندارد. هرچند قرار بر چند برابر باشد. سرکه نقد به از حلوای نسیه ضرب‌المثلی است که باور ایرانیان را برای عملِ بهنگام و اقدامِ بموقع نشان می‌دهد. بموقع اقدام کردن هم فقط در سرزمین دشمن نیست که به پشتِ دیوار خانه هم باید توجه داشت. حتی به دیوارهای داخل خانه نیز هم. پشه‌ها و مگس‌ها شعاع پروازی‌شان کوتاه است، بسیار کوتاه. حتی زنبورها هم با لانه‌شان فاصله‌ای ندارند. وقتی دیدیمشان بدانیم لانه‌شان همان حوالی است. بگردیم و با چشم‌های باز اطراف را رصد کنیم و بیابیم. قبل از اینکه بخواهند دوباره نیش بزنند آن‌هان را نابود کنیم. حکایت ریزپرنده‌ها همین است. لانه در درون دارند. یا از خانه کناری یا از خودرو کناری. فرق نمی‌کند، همین جا هستند. همین هم اقتضا می‌کند تا به موازات پنجه اقتدار ما که در سرزمین‌های اشغالی، یقه آدم‌کش‌های جانی را می‌گیرد، دست دیگرمان، به مدد دیده‌های بینا و هوشیار و حساس، باید سرپنجه‌های خائنان نوکرصفت صهیونیست را بند به بند بشکند. ملتی که ۸۵ میلیون جفت چشم بینا دارد نباید اجازه دهد لانه‌های ثابت و حتی سیار صهیونیست‌ها مخفی بماند. حتی نباید اجازه دهد که سربازان بی‌یونیفرم دشمن چون زنبورهای سمی در سوشیال مدیا و شبکه‌های اجتماعی، آرامش و ذهنیت مردم را نیش بزنند. همه چیز را باید مراقبت کنیم. مسئولان امر همه چیز را به جد هزاربرابر باید مواظبت کنند. غفلت از این، دست و دامن عمل دشمن را باز می‌کند. مارهای رها شده در خاکمان را لگدکوب می‌کنیم و اژدهای صهیون را در خانه غصبی موشک‌کوب خواهیم کرد.

رژیم کودک‌کش

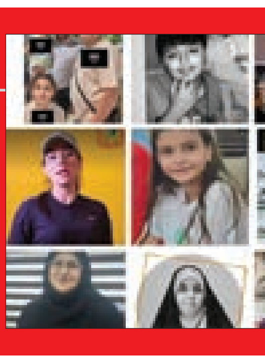

مگر می‌شود چشم بست روی دست درازی و وقاحت اسرائیل؟ مگر می‌شود دشمن دیرین و بیگانه این آب و خاک، تجاوزکند به حریم خانه و ناموست، بیمارستان ومدرسه ومناطق مسکونی را هدف قرار دهد، کودکان و زنان و انسان‌های عادی و هم‌وطنان را به شهادت برساند و ایران و ایرانی ساکت بنشیند؟ در روزهای سختی که گذشت، نشانه‌های کودکانی را دیدیم که هیچ کدامشان هنوز به آرزوهای بزرگشان نرسیده بودند، از آن‌ها فقط عکس ولباس و اسباب‌بازی باقی مانده و هیچ ردی از پیکرهای معصوم و نحیفشان نیست. معلمی عکس‌های دانش‌آموزان شهیدش را دستش گرفته و برایشان سوگواری می‌کند. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها مقابل خرابه‌های خانه جگرگوشه‌هایشان مویه می‌کنند ولعن می‌فرستند به رژیم صهیونی. یکی دوتا هم نیستند. تا حالا ده‌ها کودک ایرانی هدف حملات رژیم‌کودک‌کش اسرائیل بوده‌اند. ما مردم ایران در برابر این دست‌درازی سکوت نخواهیم‌کرد. ما تمامش می‌کنیم.

ایران دارد دفاع می‌کند

پس از پاسخ کوبنده ایران به رژیم صهیونی در شامگاه ۲۵ خرداد، بسیاری ویدئو و تصاویری را که از تل‌آویو منتشر شده با ضاحیه و بیروت مقایسه کردند. مردم لبنان از شادمانی به خیابان‌ها آمدند و گنبد آهنین اسرائیل را به سخره گرفتند. اما در سرزمین‌های اشغالی بیم و وحشت از تخریب برج‌ها و مجتمع‌ها مردم را به پناهگاه‌ها کشانده است و با اینکه فرودگاه‌هایشان تعطیل شده است، عموم اسرائیلی‌ها با هر وسیله‌ای که شده از خانه‌هایشان فرار کرده‌اند. این همان پاسخ قاطعی است که ما و تمام مردم ایران در برابر تجاوزات رژیم صهیونی به وطنمان انتظارش را داشتیم. ایران جنگ طلب نبوده و نیست، ایران حمله نمی‌کند، ایران دارد دفاع می‌کند.

ما هستیم تا وطن هست

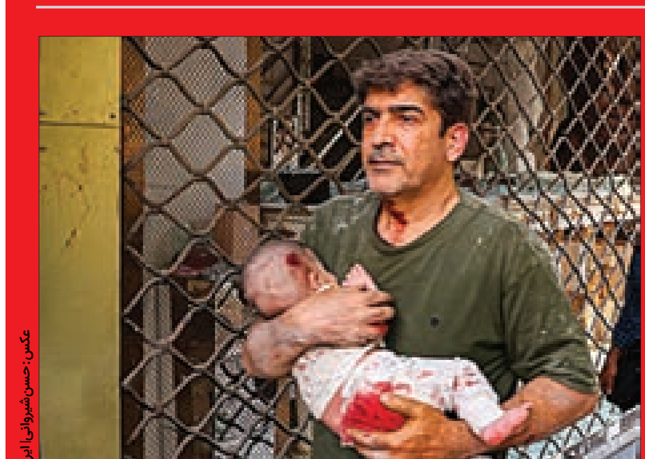

عکس: حسن شیروانی| ایرنا

مجید ادیبی: خوب به عکس نگاه کنید؛ به چشم‌های مرد خیره شوید؛ به نوزاد نیمه‌جان غرق در خون و خونی که شتک زده است بر صورت مرد. اینجا تهران است و این دو قربانیان جنایت ضحاکان صهیون. این قاب فقط یک عکس خبری ویژه از اتفاقات عصر دیروز تهران نیست؛ قابی است نمادین برای ایرانیان و ایران که تاریخش و عظمتش با سرخی خون شهیدانش و جان‌فشانی‌های مردمانش عجین است. تصویر برای ما آشنا و گویاست؛ از جنس همان هشت سال جنگ و خون و مظلومیت و دفاع جانانه در نبردی نابرابر با اهریمنان دنیا. امروز اهریمنان باز در خیالشان طمع کرده‌اند تا دست‌درازی کنند به جان و مال و خاک وطن. اما زهی خیال باطل! وطن برای ما در همه اعصار «مادر» بوده و هست و خواهد بود و باز خون‌ها به پایش خواهیم ریخت که وجبی از خاکش به دست دشمن نرسد و حتی ورای این، خیال خام دست‌درازی به وطن هم به ذهنشان خطور نکند.

ما هستیم تا وطن هست، تا مادر هست، تا خاک هست. هستیم تا جانمان را برای عزت و عظمتش فدا کنیم. دیگر چه فرقی دارد که تهران باشد یا تبریز و کرمانشاه و همدان و مشهد. اینجا ایران است و ما هستیم تا باز تقاص خون‌های ریخته‌شده را از اهریمن بگیریم. باز هم تاریخ گواهی می‌دهد که اهریمن را بیچاره خواهیم کرد.

شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

روزنامه
فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
صاحب امتیاز
شهرداری مشهد
مدیرمسئول
سید میثم موسوی‌مهر
سردبیر
سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی
ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
نمابر
۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی
۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک
۳۰۰۰۷۲۸۹

۲شنبه
سال هفدهم
۲۶ خرداد ۱۴۰۴
۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
شماره ۴۵۱۱

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

پناهگاه‌هایتان را آماده کنید
آرامش در عین آمادگی

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا % ۲۱
↓۲۲ ↑۳۵
صبح ۳۰
ظهر ۳۳
عصر ۳۲
شب ۲۵

اوقات شرعی مشهد

- اذان ظهر ۱۱:۳۲:۲۰
- غروب آفتاب ۱۸:۵۱:۰۴
- اذان مغرب ۱۹:۱۲:۲۹
- نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۱۵
- اذان صبح فردا ۰۲:۲۵:۲۹
- طلوع آفتاب فردا ۰۴:۱۳:۴۲

عکس روز

همدلی تا پای جان

رژیم صهیونی جنگ را آغاز کرد، غاصبی که متجاوز است، می‌کشد. برایش فرقی ندارد نظامی یا غیرنظامی، مرد یا زن یا بچه! اسرائیل خون‌خوار است و با خون سیر می‌شود. یکی‌یکی تصاویر و اسامی شهروندان عادی که در جای جای کشورمان از شامگاه جمعه به شهادت رسیده‌اند منتشر می‌شود و ما را به خون اسرائیل تشنه‌تر می‌کند. حالا همه ما فقط همدلانه یک چیز می‌خواهیم، ایستادگی تا پای جان برای نابودی رژیم صهیونی.

عکس: دیوار نگاره بزرگ میدان انقلاب با شعار ایران ذوالفقار علی و بر محور یادآوری فتح خیبر

همسایه همزبان

قائم‌به‌فرد نیست قیام مقاومت

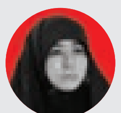

عاطفه جعفری
نویسنده و شاعر افغانستانی

دخترمان اگر سرشب درحد یک چرت هم بخوابد خواب شبش به هم می‌ریزد و باید تا صبح پابه‌پایش بیدار باشیم.

ساعت ۵/۹ شب تا ساعت ۱۱ خوابید و وقتی بیدار شد دیگر کاملا هشیار بود تا نماز صبح با حال و هوای اینکه حالا دوساعت دیگر اذان است و یک ساعت دیگر بعداز نماز می‌خوابیم خودم را کشاندم تا وقت نماز، بچه را به رختخوابش بردم و بعدازنماز همسرم را بیدار کردم که نمازش قضا نشود، اما بچه خوابش نمی‌برد ساعت از ۳صبح گذشته بود و دخترک بازیگوشم همچنان مرا پابه‌پای خود بیدار نگه‌داشت، تصمیم گرفتم سری به اینستاگرام بزنم بعداز چندلحظه حوصله‌ام سررفت و خواستم گوشی راکنار بگذارم و بخوابم که دیدم نوشته به تهران حمله شد!

برق از سرم پرید و گفتم: نه‌بابا مگه الکیه! بعد کامنت‌ها را خواندم دیدم نه انگار سگ هار آمریکا واقعا خیالاتی در سر دارد.

بی‌آنکه اختیاری داشته باشم باز همسرم را بیدارکردم و گفتم: پاشو جنگ شده!

تلویزیون را روشن کردیم و دیدم بله انگار صحت دارد. اخبار یکی پس از دیگری منتشر می‌شدند و کاممان را در سحرگاه روز جمعه تلخ می‌کردند. رجز می‌خواندیم در خانه، من می‌گفتم: باید بزنیم محکم هم بزنیم.

همسرم می‌گفت: باید بزنیم و پدرشان را دربیاوریم.

اشک ریختیم و غصه خوردیم برای عروسک‌هایی که دست خبرنگاران بود، برای کتاب‌های پرپر شده در تصاویر، برای زن آتش‌نشانی که همدرد زنان حادثه‌دیده بود.

نگران بودیم و هرلحظه اسم جدیدی از سرداران سپاه یا دانشمندان هسته‌ای منتشر می‌شد که همراه خانواده‌هایشان به شهادت رسیدند، اما زیرلب بیتی از همسرم را زمزمه می‌کردم:

قائم‌به‌فرد نیست قیام مقاومت
فرمانده‌ای است از پس فرمانده شهید

همهمه شهادت سرلشکر باقری که پیچید اشک از چشمانم جاری شد و زیرلب گفتم:

او هم به برادرشهیدش پیوست

یاد حرف‌ها و استراتژی‌های حسن باقری در مورد اسرائیل خبیث افتادم. روحش شاد. چقدر این جوان چهل سال پیش روشن بوده است. خبر زخمی شدن سردارحاجی‌زاده که پیچید دیگر توان از وجودم رفت و تصمیم گرفتم گوشی را کنار بگذارم و بچه را بخوابانم.

همان‌طور که با دست به کتف دخترکم ضربه می زدم تا شاید بخوابد یادم آمد در آستانه عیدغدیر هستیم و صدای حسین‌طاهری در سرم می‌گفت:

خیبرخیبر یاصهیون
جیش‌محمد قادمون

دوساعتی گذشت و از خواب برخاستم و پیامک مسئول حوزه‌هنری را دیدم که برای جلسه هم‌اندیشی دعوت کرده بود.

گرچه خون سرداران و دانشمندان ایران با هزاران خون ناپاک هم جبران نمی‌شود، اما باید همه در کنار هم قاطعانه در مقابل این تجاوز و دست بایستیم.